

مردم‌نگاری به مثابه رویکردی کیفی


f.ansari11068@gmail.com

فهیمه انصاری زاده / دانشجوی دکتری گروه مدیریت آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم

سیف‌اله فضل‌الهی قمشی / دانشیار گروه مدیریت آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی قم

fazlollahigh@yahoo.com

ORCID: orcid.org/0000-0002-6440-240X


<https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۰۹ - پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۱۸

چکیده

«مردم‌نگاری» یک روش کیفی در حوزه‌های انسان‌شناسی و علوم انسانی با رویکرد اکتشافی است که در موضوعات فرهنگی، ارزشی، باورها، گرایش‌ها و تعلیم و تربیت جایگاه مهمی دارد. در این روش جوامع گوناگون به صورت کامل و همه‌جانبه توصیف می‌شوند. این روش یک رویکرد کل‌نگرانه و کل‌گرایانه است و به مطالعه عمیق برای توصیف دقیق از موضوع مطالعه‌شده در زمینه درک واقعیت‌های اجتماعی - به همان شکلی که بودند - می‌پردازد. مشاهده موضوع مطالعه در شرایط کاملاً طبیعی در این روش دیدی جامع‌نگر به محقق می‌دهد. پژوهش حاضر با هدف ترکیب نتایج پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه «روش‌شناسی مردم‌نگاری در ایران» انجام شده است. این پژوهش با یک فرایند مشخص، ابتدا به پیشینه مردم‌نگاری، مکاتب و انواع مردم‌نگاری و مراحل انجام این نوع از پژوهش پرداخته است تا بتواند این روش را با وضوح بیشتری معرفی کند.

کلیدواژه‌ها: مردم‌نگاری، فراتحلیل، روش پژوهش کیفی.

«مردم‌نگاری» یک روش پژوهش کیفی کلی گرایانه و عمیق است که در آن پژوهشگر به مشاهده و تعامل با افراد مورد مطالعه در محیط طبیعی و واقعی زندگی آنها می‌پردازد. «مردم‌نگاری» یکی از مهم‌ترین روش‌های پژوهش در مطالعات مردم‌شناسی به‌شمار می‌آید. «مردم‌نگاری» معادل فارسی اصطلاح یونانی «انتوگرافی» (Ethnography) است؛ ترکیبی از دو کلمه «انتو» به معنای قبیله، ملت و مردم، و «گرافی» به معنای نوشتن. از نظر لغوی روش مردم‌نگاری توضیح و معرفی یک قبیله یا قوم است (خنیفر و مسلمی، ۱۳۹۵، ص ۲۵۵).

انسان‌ها در تعاملات اجتماعی و در قالب یک بستر فرهنگی، از دانستنی‌ها یا معرفت فرهنگی برخوردار می‌شوند. فرهنگ از یک سو مخلوق کنش با معنا، و از سوی دیگر، هدایتگر و حتی تولیدکننده آن است (ایمان، ۱۳۹۱، ص ۳۵). فرهنگ این امکان را فراهم می‌سازد که گروه خاصی از مردم با یکدیگر زندگی کنند و از طریق نظامی از معانی و ارزش‌های مشترک سامان یابند. اما همین نظام ممکن است آنها را واردات تا با گروه دیگری که معانی مشترک و ارزش‌های متفاوتی دارند، مقابله کند و حتی علیه آنها بجنگند. فرهنگ پیامدهای مثبت و منفی برای اعضای خود دارد (گال و دیگران، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۱۰۶۳).

در صورتی که افراد یک گروه برای مدت‌زمان قابل توجهی با یکدیگر در تعامل بوده، ارزش‌های ویژه‌ای را رعایت کرده و الگوهای رفتاری خاصی را رعایت نموده باشند، برای مطالعه آنان می‌توان از روش پژوهش «مردم‌نگاری» استفاده کرد (بازرگان، ۱۳۹۴، ص ۱۵۱). پایه‌های فکری و ریشه‌های نظری مردم‌نگاری به «پدیدارشناسی» و در برخی از مکاتب به الگوواره (پارادایم) «تفسیرگرا» برمی‌گردد (نعمتی شمس‌آبادی، ۱۳۸۷، ص ۸۲۰).

مردم‌نگاری به سبب یافته‌های ژرف و دقیقی که می‌تواند در اختیار خواننده قرار دهد، او را به صورتی عمیق با جامعه تحت پژوهش آشنا ساخته، به یکی از پرکاربردترین و قابل‌اتکاترین رویکردهای پژوهش کیفی تبدیل نموده است (وودز، ۲۰۰۵، ص ۷۴).

روش مردم‌نگاری کاربرد زیادی در پژوهش‌های کیفی و به‌ویژه با رویکرد اکتشافی دارد و در تحقیقات حوزه علوم رفتاری و به‌ویژه علوم تربیتی برای دسترسی به نظریه‌ها و دیدگاه‌های مناسب برای حل مسئله بسیار تعیین‌کننده است. نگاهی به منابع موجود در زمینه روش‌شناسی مردم‌نگاری گویای این نکته است که روش‌شناسی‌های معرفی شده گاهی غامض، ناقص و غیرقابل درک است و کاربران را با دشواری‌هایی در تشخیص و کاربرست مراحل مواجه می‌کند.

از این رو این دغدغه در پژوهشگران به وجود آمده است که شاید بتوان با یک تحلیل روش‌شناسانه و مطالعه و بررسی منابع روش‌شناسی موجود در مقالات و کتب، بتوان این روش را با اقتان و وضوح بیشتری معرفی کرد. این مسئله موجب شده است ابتدا روش به دقت مطالعه و منابع شناسایی و جمع‌بندی گردند و مطابق مراحل روش «فراتحلیل» متن یک نوشته اصلی به‌مثابه متن پایه تعیین شود و تمام مقالات و نوشته‌های موجود گردآوری و

مطالعه کردند و با متن پایه تطبیق داده شوند و در نهایت، با پالایش منابع گردآوری شده، منابع مرتبط انتخاب و نقاط مشترک در منابع تصریح و عینی شوند. با این نگاه به روش‌شناسی، مردم‌نگاری مجدداً بازپزدازش و تکمیل گردیده است.

از نگاهی دیگر، «مردم‌نگاری» یک روش پژوهش کیفی در رشته‌های انسان‌شناسی و علوم اجتماعی است که شامل مشاهده، ثبت و ضبط روابط اجتماعی، مکان‌ها و فرهنگ‌ها می‌شود (ایبدا، ۲۰۰۵، ص ۱۱).

مردم‌نگاری ریشه در مردم‌شناسی دارد و عبارت است از: توصیف کامل و همه‌جانبه مظاهر مادی و غیرمادی (معنوی) جوامع گوناگون. مردم‌نگاری مشاهده در محل، و توصیف و تحلیل گروه‌های انسانی است که به قدر کفایت کوچک بوده و به این علت می‌تواند همگی توسط تعداد محدودی از پژوهشگران، از طریق روش‌های عموماً غیرآماري مطالعه و درک شوند (مکنیل، ۱۳۷۶، ص ۲۵۸). در این روش تنها به توصیف کمی پدیده‌ها اکتفا نمی‌شود و هر پدیده در بافت خود به صورت کیفی تفسیر می‌شود؛ زیرا یک مقوله رفتاری ممکن است در بافت‌های گوناگون، معانی متفاوت و حتی متناقضی داشته باشد.

تفسیر کیفی پدیده‌ها در شرایط طبیعی ایجاب می‌کند که پژوهشگر از نزدیک بر زمینه پژوهش وارد شود (نعمتی شمس‌آبادی، ۱۳۸۷، ص ۸۲۷)؛ یعنی: نوعی نزدیکی و وارد شدن به موضوع و حتی یکی شدن با آن. این روش‌ها صرفاً روش‌های توصیفی نیستند. مردم‌نگاری در حقیقت نوعی تحلیل است. وقتی ما دست به توصیف دقیق و عمیق چیزی می‌زنیم، خود این توصیف یک تحلیل است (فکوهی، ۱۳۸۵، ص ۴۸۰).

۱. ویژگی‌های مردم‌نگاری

۱-۱. دیدگاه کل‌گرا

مشاهده‌گر بر کل بافت در دست مطالعه تأکید دارد. عنصری که با پدیده مورد مطالعه رابطه دارند از جهات گوناگون بررسی می‌شوند و ارتباطات اجتماعی، بعد زمانی، مکانی و امثال آن درباره فرد به صورت یک کل مدنظر قرار می‌گیرد (اسپردلی و مک‌کوردی، ۱۳۷۲، ص ۱۲۷-۱۲۸).

۱-۲. ویژگی بافت‌گرایی

مردم‌نگاران معتقدند: رفتار هر فرد تحت تأثیر بافتی است که در آن قرار دارد. نتایج حاصل از این پژوهش در محیط تحت مطالعه خود قابل تفسیر است. تعمیم نتایج مدنظر پژوهشگر نیست.

۱-۳. ماهیت کیفی - پدیدارشناختی

برای درک کامل رفتار باید احساسات و افکار فرد درباره یک رفتار ویژه شناخته شود؛ زیرا جنبه واحدی از رفتار می‌تواند معانی متفاوتی داشته باشد. چارچوب مشخصی برای تفسیر، رمزگذاری و مقوله‌بندی رفتارها ضروری است.

۴-۱. استفاده از روش شرکت کننده - مشاهده گر

جمع‌آوری داده‌ها با مشاهده آنچه در شرایط طبیعی تحت مطالعه رخ می‌دهد، انجام می‌شود. یک مردم‌نگار باید بافتی را که افراد در آن زندگی می‌نمایند، فکر می‌کنند و واکنش نشان می‌دهند درک کند، حوادث مربوط را به تصویر کشد و به تفسیر آنها بپردازد (خنیفر و مسلمی، ۱۳۹۵، ص ۲۵۹).

۵-۱. دیدگاه نوبیو شیمهارا

نوبیو شیمهارا (Nobuo Shimahara) در پژوهش خود، چند ویژگی عمده را شناسایی کرده است:

۱. تأکید بر کشف الگوهای فرهنگی موجود در رفتار آدمی؛ از این‌رو قوم‌نگاران درباره اعضای یک فرهنگ به پژوهش می‌پردازند تا معین کنند که چگونه رفتار آنها نشان‌دهنده ارزش‌ها، عقاید، آداب، امور ممنوع (محرومات) و سایر جنبه‌هایی است که معمولاً در فرهنگ آنها دیده می‌شود.

۲. تأکید بر دیدگاه اختصاصی اعضای هر فرهنگ؛ تحقیق درباره افراد به‌منظور تعیین این نکته است که خود آنها چگونه واقعیت را تعریف و چگونه حوادث را تجربه می‌کنند. در واقع تأکید بر توصیف یک فرهنگ است، آن‌گونه که اعضای آن بدان می‌نگرند. *فرانز بواس* می‌گوید: اگر جداً قصد داریم به افکار مردم یک فرهنگ پی ببریم، کل تحلیل تجربه باید بر مفاهیم آنها مبتنی باشد، نه مفاهیم ما (گال و دیگران، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۱۰۶۰).

۳. تأکید بر مطالعه محیط‌های طبیعی که فرهنگ در آن متجلی شده است؛ قوم‌نگاران عموماً از وارد کردن هرگونه موقعیت مصنوعی در محیط خودداری می‌کنند. آنها در مطالعه محیط مدنظر، به همه جنبه‌های آن که ممکن است الگوهای فرهنگی را آشکار کند، توجه نشان می‌دهند.

۶-۱. دیدگاه وودز

وودز (Woods) سه ویژگی اصلی قوم‌نگاری را شناسایی کرده است:

۱. زمینه‌گرایی و وابستگی آن به زمینه‌ای که پژوهش در آن انجام می‌شود؛ قوم‌نگاری وابسته به آن زمینه و جامعه‌ای است که پژوهش در آن انجام می‌شود و عمومیت‌بخشی و همگانی‌سازی یافته‌های قوم‌نگاری وابسته به آن زمینه و جامعه‌ای است که در آن پژوهش انجام می‌شود. بدین‌روی عمومیت‌بخشی و همگانی‌سازی یافته‌های قوم‌نگاری باید با دقت بسیار انجام شود تا از تعمیم نتایج این پژوهش‌ها به سایر زمینه‌های غیرمرتبط خودداری شود.

۲. تجربه دست اول؛ در این روش، پژوهش و ارتباط مستقیم با افراد جامعه بررسی می‌شود. *مالینوسکی* (۲۰۰۵) معتقد است: ضرورت اجتناب‌ناپذیر این تجربه دست اول است که وی را به میان قبایل اقیانوسیه کشاند و موجب شد وی به دنبال راهی برای برقراری ارتباط دست اول با بومیان این قبیله بگردد و تلاش کند تا همچون یکی از افراد این قبایل زندگی کند.

۳. توجه فراوان آن به مفاهیم و اموری که در سایر پژوهش‌ها چندان مدنظر قرار نمی‌گیرند؛ *کاریگان* (۱۹۷۶)

می‌نویسد: مفهومی به ظاهر بی‌اهمیت، همچون «دست نگاه داشتن و انجام ندادن کاری» می‌تواند معنایی عمیق در نهان داشته باشد و اطلاعات فراوانی درباره دانش‌آموز و افکار و اندیشه‌های درون ذهن وی به پژوهشگر بدهد (وودز، ۲۰۰۵، ص ۷۰).

پل و مریسون (۲۰۰۳) می‌نویسند: سنگ‌های کف یک اداره، میزان دستکاری اشیای موجود در یک موزه، اشیای و آثار نهاده شده بر روی تخته اعلانات یک مدرسه می‌توانند معانی عمیقی دربر داشته باشند که نباید از کنار آنها به سادگی گذشت (ر.ک: پل و مریسون، ۲۰۰۳).

۲. پیشینه روش مردم‌نگاری

۲-۱. مردم‌نگاری تاریخی

در سفرنامه‌ها و سیاحت‌نامه‌های برخی مورخان می‌توان یافت که از آداب، رسوم، سنت‌ها و زبان به‌طور کلی، فرهنگ و خرده‌فرهنگ‌های اقوام گوناگون، مطالب فراوانی جمع‌آوری کرده‌اند؛ از جمله می‌توان از *سفرنامه ناصر خسرو قبادیانی* در ایران، *سفرنامه ابن بطوطه* در مراکش و نوشته‌های *هرودوت (Herodotus)* نام برد.

بارتلد گئورگ نیبور (Barthold Georg)، اصلاح «مردم‌نگاری» را برای اولین بار در سال ۱۸۱۰ میلادی در کلاس درس خود در دانشگاه برلین (*University of Berlin*) به کار برد (سلیمانی، ۱۳۸۸، ۲۵۶).

انسان‌شناسانی مانند *پریچارد (James Cowles Prichard)* و *مارگارت مید (Margaret Mead)* امریکایی در خصوص برخی جوامع ابتدایی در استرالیا و آفریقا مطالعات ماندگاری انجام دادند.

برانیسلاو مالینووسکی (Bronislaw Malinowski) سرآمد مردم‌نگاران تلقی می‌شود؛ زیرا وی برای مطالعه جامعه هدف پژوهش، زمانی را در میان آنها سپری و مشاهدات خود را روزانه یادداشت کرد (میره‌جینی، ۱۳۸۷، ص ۲۶۲).

ولی *تسیمهارا (۲۰۰۵)* دیدگاهی متفاوت داشت. وی می‌گوید: قوم‌نگاری به‌معنای امروزی و علمی آن، نخستین‌بار توسط *تیلور* در سال ۱۹۲۹ به کار رفت و در علم انسان‌شناسی برای بررسی فرهنگ‌های گوناگون از آن استفاده شد.

افزون بر این دیدگاه‌ها و اختلاف‌های میان آنها، قوم‌نگاری سوابق دیرینه‌ای دارد. اندیشمندان گوناگون با اهدافی متفاوت، به استفاده از آن در بررسی جوامع مدنظر خویش پرداخته‌اند. این روش شاهد جهش بزرگی در کشورهایی مانند انگلیس و امریکا بوده و به‌مثابه یکی از رویکردهای غالب پژوهش‌های کیفی شناخته شده و جای پای خویش را تحکیم کرده است؛ چنان که *وودز (۲۰۰۵)* اشاره دارد که قوم‌نگاری در دهه‌های آخر قرن بیستم، به غالب‌ترین رویکرد پژوهش‌های کیفی در انگلیس تبدیل شده و در زمینه‌های گوناگون اجتماعی، فرهنگی، آموزشی،... از آن استفاده کرده‌اند (یوسفی و فضل‌الهی قمشی، ۱۳۹۴).

در این پژوهش شاید بتوان با یک تحلیل روش‌شناسانه، مطالعه و بررسی منابع، روش‌شناسی موجود در مقالات و کتب، روش را با وضوح بیشتری معرفی کرد. در این زمینه تمام مقالات و نوشته‌های موجود گردآوری، مطالعه و با متن پایه ادغام گردید و در نهایت، در میان منابع گردآوری شده، منابع مرتبط انتخاب و نقاط مشترک در منابع معین گردید. با این دید، روش پژوهش کیفی مردم‌نگاری دوباره تکمیل گردید.

برخی از مقالات تحت بررسی این پژوهش عبارتند از:

فضل‌الهی و یوسفی (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «قوم‌نگاری آموزشی؛ مطالعه موردی مدرسه نور در کنیا»، با استفاده از روش «قوم‌نگاری» به واکاوی یکی از مدارس ابتدایی در یکی از روستاهای کنیا پرداخته و به قوم‌نگاری کلاس‌ها، معلمان و دانش‌آموزان این مدرسه اشاره کرده‌اند. مدارس ابتدایی کنیا براساس ارتباط نزدیک معلم و شاگرد و در کلاس‌های سنتی و بدون ابزارهای نوین رسانه‌ای شکل می‌گیرند. در این میان، مدرسه و فرهنگ حاکم بر آن به شدت با اوضاع اجتماعی و فرهنگ حاکم بر جامعه ارتباط دارد و از آن متأثر است و نوعی در هم پیچی عمیق میان فرهنگ مدرسه و فرهنگ جامعه اطراف در جریان است، به‌گونه‌ای که میزان ثروت، فقر، مشکلات، بزهکاری، جرم، تقاضا و یا عدم تقاضا برای مدرسه رفتن در جامعه و خانواده‌ها بر مدرسه و فرهنگ علم‌آموزی دانش‌آموزان و ارتباط آنها با معلمان تأثیرگذار است و آن را نیز از خویش متأثر می‌سازد.

اکبریور و عدلی‌پور (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «راهبرد پژوهش قوم‌نگاری؛ ویژگی‌ها، انواع و رویه‌های انجام»، در قوم‌نگاری مبتنی بر فرهنگ و با دیدی کل‌گرایانه به مطالعاتی عمیق برای توصیف دقیق و فشرده‌ای از مورد مطالعه می‌پردازند. مردم‌نگاری ریشه در انسان‌شناسی دارد و به‌مقابله یک روش تحقیق اجتماعی فراگیر به تازگی شناخته شده است.

یوسفی و فضل‌الهی قمشی (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «روش‌شناسی قوم‌نگاری به‌عنوان یکی از رویکردهای پژوهش کیفی»، با استفاده از کتاب *مهمان‌های شیخ: قوم‌نگاری روستایی عراقی*، با رویکرد اسنادی، با استفاده از یکی از معتبرترین آثار قوم‌نگاری توسط یکی از انسان‌شناس‌ها و قوم‌نگاران امریکایی، رویکرد پژوهش را تشریح نموده، گام‌های پیشنهادی برای انجام چنین پژوهشی را ارائه داده‌اند.

ایمانی (۱۳۸۷) در پژوهشی با عنوان «تحقیق قوم‌نگاری در رویکردهای کمی و کیفی تحقیق»، در قوم‌نگاری مبتنی بر فرهنگ و با دیدی کل‌گرایانه به مطالعات عمیق برای توصیفی دقیق و فشرده از مورد مطالعه می‌پردازد.

۳. مکاتب مردم‌نگاری

۳-۱. مردم‌نگاری کهن

بررسی و توصیف عرصه است و در شرایطی استفاده می‌شود که رفتار در آن صورت می‌گیرد و نیاز به صرف وقت زیاد و زندگی کردن در آن محیط و احساس شرایط مدنظر است؛ مانند *سفرنامه ایران و ایرانیان*، از *ادوارد یاکوب پولک* (Eduard Jakob polk) و *سفرنامه مادام دیولافوا*، از *ژان دیولافوا* (Jane Dieulafoy).

۳-۲. مردم‌نگاری بسامان

بر تعریف ساختار فرهنگ، توصیف تعاملات، احساسات و عناصر اجتماعی تأکید دارد.

۳-۳. مردم‌نگاری تفسیری

«مردم‌نگاری تأویلی» نیز نامیده می‌شود و به کشف معانی و مفاهیم تعاملات اجتماعی مشهوده گفته می‌شود و به نظر برخی صاحب‌نظران، بیشتر تحلیل و تفکر است تا مشاهده و توصیف؛ مانند مطالعه تعاملات ژاپنی‌ها در بحران‌ها و بلایای طبیعی.

۳-۴. مردم‌نگاری انتقادی

فرهنگ را باید در شرایط متفاوت شناخت. این شرایط ممکن است تغییرات سیاسی یا اقتصادی باشد. پژوهشگر در بطن این شرایط، تغییرات فرهنگی را می‌شناسد (ادیب حاج‌باقری و دیگران، ۱۳۸۶، ص ۱۵۳)؛ مانند مردم‌نگاری یک ملت در شرایط قبل و بعد از یک انقلاب سیاسی یا اجتماعی.

۴. انواع مردم‌نگاری

۴-۱. خودمردم‌نگاری

یکی از انواع مردم‌نگاری است که هم از اصول پایه‌ای مردم‌نگاری و هم از مبانی خود - زیست‌نگاری بهره می‌برد. هدف آن ارائه توصیفی غنی از یک پدیده یا تجربه است. روش‌شناسی خود - مردم‌نگارها شامل درون‌نگری نظام‌مند و یادآوری عاطفی می‌شود. درگیر گفت‌وگو با دیگران است و به نگرانی‌های علمی و نظری مربوط می‌شود و به شیوه‌های گوناگون داستان‌هایی درباره خود بیان می‌کند که راه‌های جایگزینی برای زندگی و دیدن جهان ارائه می‌نماید.

۴-۲. مردم‌نگاری نهادی

رویکرد دیگری که اسمیت (Smith) آن را شرح می‌دهد، کانون توجه اعمال روزمره نیست، بلکه نحوه نهادینه شدن آنها در قالب قواعد و روابط عام است که فعالیت‌های روزمره افراد در چارچوب آنها انجام می‌گیرد.

۴-۳. مردم‌نگاری ارتباطات

این رویکرد را که دل‌هایمز (Dell Hymes) شرح می‌دهد، با بررسی زبان محلی مورد استفاده، هم یک دیدگاه نظری است و هم روشی برای مطالعه الگوهای فرهنگی ارتباطات. مطالعات مردم‌نگاری ارتباطات، دستورالعمل‌ها و قوانین خاص فرهنگی را در این باره که چه زمانی و چگونه صحبت کنیم، عملکردها و الگوهای ارتباطی در یک زمینه فرهنگی خاص (مانند مدرسه، سازمان، ملت، یا فرهنگ قومی) را مشخص می‌کنند، و دستورالعمل‌ها و انتظارات را برای جوامع سنتی که از نظر فرهنگی متمایز هستند، بررسی می‌کنند. واحدهای کلیدی تجزیه و تحلیل

برای پژوهشگران مردم‌نگاری ارتباطات عبارتند از: «رویداد گفت‌وگو» (Speech Events)، «اعمال گفت‌وگو» (Speech Communities)، «وضعیت گفت‌وگو» (Speech Situation)، و «جامعه گفت‌وگو» (Conversation community) (خنیفر و مسلمی، ۱۳۹۵، ص ۲۵۹).

۴-۴. دریافتگری برداشت‌گرا

مردم‌نگاری به‌مثابه یک محل مشترک برای قلمرو دیگری از حساسیت‌های کیفی نیز به‌کار می‌رود که این قلمرو ممکن است داستان‌های دریافتگری (امپرسیونیسم) برداشت‌گرا نیز نامیده شود (ون منان، ۱۹۸۸، ص ۱۲۰). این داستان‌ها با نام‌های «عملکرد و متون درهم و برهم»، «مردم‌نگاری تحلیلی» و «مردم‌نگاری جدید» نامیده می‌شوند. دانش مردم‌نگاری را در قالب شعر، متن، داستان کوتاه، گزارش لایه‌بندی شده و نمایش ارائه می‌کنند. این متون خلاق و شخصی هستند، از تجربه شخصی شکل گرفته‌اند و برای مخاطبان عمومی و مخاطبان دانشگاه در نظر گرفته شده‌اند (کنگوگود، ۱۹۹۲).

۵. اشکال مردم‌نگاری

اشکال متعددی از قوم‌نگاری وجود دارد؛ مانند اعترافی، تاریخ زندگی؛ خود قوم‌نگاری؛ قوم‌نگاری فمینیستی، رمان‌های قوم‌نگارانه، قوم‌نگاری دیداری عکس‌ها و ویدئوها و رسانه‌های الکترونیک (کرسول، ۱۳۹۱، ص ۱۵۰).

۵-۱. قوم‌نگاری واقع‌گرا

شرح عینی از وضعیت است که معمولاً به‌صورت سوم شخص نوشته می‌شود و اطلاعات گرفته‌شده از مشارکت‌کنندگان را به‌صورت عینی گزارش می‌کند، واقعیات را به‌صورت بی‌طرفانه انعکاس می‌دهد و داده‌هایش از جهت‌گیری شخصی، اهداف سیاسی و قضاوت‌ها مبرا است و جزئیات زندگی روزمره اعضا را مطالعه می‌کند (همان، ص ۱۷۵).

۵-۲. قوم‌نگاری انتقادی یا توصیفی

نظریه «انتقادی» و الگوواره «انتقادی» روشی از قوم‌نگاری است که به دنبال تغییرات دانش است (همان، ص ۱۳۰). این نظریه بیان می‌کند که چگونه موضوعات اجتماعی (از جمله قدرت، فرهنگ، طبقه اجتماعی و مانند آن) شکل می‌گیرد و چگونه به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر افراد تأثیر می‌گذارد. الگوواره انتقادی همچنین به‌دنبال ترویج این موضوع است که اجتماع تحت تأثیر زمینه اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است. تمرکز بر موشکافی، تفسیر و کاربرد دانش محلی به عمل، به‌جای آزمایش فرضیات و نتایج، از ویژگی‌های «قوم‌نگاری انتقادی» است. عناصر مشترک میان تحقیق قوم‌نگاری و قوم‌نگاری انتقادی شامل مشارکت میان محققان و شرکت‌کنندگان در برنامه‌ریزی تفسیر تحقیقات و سپس مشارکت در گسترش، اجرا و ارزیابی هر کدام از نتایج می‌شود.

هدف اساسی «قوم‌نگاری انتقادی» تغییر گروه‌های اجتماعی از طریق عرضه نظریه‌های انتقادی و رفع ابهامات فکری و فرهنگی است. این رویکرد با استفاده از گفت‌وگو، ابزاری برای درک کنش‌های افراد و چالش‌های روزمره آنان فراهم می‌کند (کوانتر، ۱۹۹۲). این رویکرد واکنشی نسبت به جامعه کنونی است که در آن نظام‌های قدرت وجهه برتر و اقتدار افراد متعلق به نژادها و یا جنسیت‌ها را به حاشیه می‌رانند. «قوم‌نگاری انتقادی» نوعی پژوهش قوم‌نگاری است که نویسندگان آن حامی رهایی‌بخشی گروه‌های حاشیه‌ای جامعه هستند. این پژوهشگران افرادی با ذهنیت سیاسی هستند که می‌خواهند با پژوهش خود علیه نابرابری و سلطه سخن بگویند (کرسول، ۱۳۹۱، ص ۲۵۰).

۶. روش‌شناسی قوم‌نگاری

سه روش‌شناسی در تحقیقات علوم انسانی به نام‌های «روش‌شناسی اثبات‌گرایی»، «روش‌شناسی تفسیری» و «روش‌شناسی انتقادی» حضوری فعال دارند که نظریه و روش تحت هدایت آنها تعیین می‌شود.

چنانچه قوم‌نگاری بر پایه «روش‌شناسی اثباتی» ارائه شود، به کاربرد رویکرد کمی تحقیق، در جهت توصیف پدیده مورد مطالعه اهتمام خواهد داشت. در این روش‌شناسی سعی بر این است که محقق بتواند با توجه به فنون رویکرد کمی تحقیق، به‌نوعی به توصیف، تبیین و دسته‌بندی وقایع اقدام کند.

«روش‌شناسی تفسیری» تحقیق قوم‌نگاری را به سمت فهمی پویا از نظام اجتماعی هدایت می‌کند تا از طریق آن بر چگونگی شکل‌گیری نظام اجتماعی آگاهی یابد. هدف این روش‌شناسی، توصیف دقیق و عمیق از موضوع مطالعه با استفاده از رویکرد کیفی تحقیق است.

«روش‌شناسی انتقادی» یکی از بسترهای تحقیقات قوم‌نگاری در جهت هدایت این‌گونه تحقیقات براساس پیش‌فرض‌های اساسی خود (مانند اصالت تحول، عدالت و آزادی فعال) است. از این روش با نام «قوم‌نگاری انتقادی»، یا «قوم‌شناسی» یاد می‌شود که امروزه توسط فمینیست‌های تندرو از آن استفاده می‌گردد. این اندیشمندان از طریق قوم‌نگاری انتقادی، تحقیق فمینیستی را وارد عرصه‌ای از مبارزات سیاسی کرده‌اند که در آن جنسیت در قالب یک فرهنگ کلی، مردسالارانه تعریف می‌شود (ایمانی، ۱۳۸۷).

۷. مراحل مردم‌نگاری

۷-۱. مکان‌یابی و آغاز پژوهش قوم‌نگاری

در پژوهش قوم‌نگاری، پژوهشگر به انتخاب موضوع مدنظر خویش، جامعه مورد مطالعه، میزان دخالت خویش و همچنین افراد دیگری که در پژوهش دخیل هستند، می‌پردازد. این نکته مطرح نیست که اثرگذاری پژوهشگر کاملاً حذف شود یا به حداقل برسد.

از نظر مالدینوسکی (۲۰۰۵)، ضرورت یک کار قوم‌نگارانه عالی و مقبول این است که پژوهشگر خود وارد میدان

پژوهش شود و در جریان ارتباطی نزدیک با موضوعات قرار گیرد؛ به تفسیر امور پردازد؛ مشاهدات دقیق انجام دهد؛ دیدگاه خویش را به آنها اضافه نماید؛ به جای آنکه به واسطه‌ها دل ببندد، از منابع جانبی به کسب اطلاعات درباره موضوع مدنظر خویش پردازد؛ و موضوعات را به صورت ژرف مطالعه کند تا بتواند تصویری دقیق و درست از جامعه در دست پژوهش خویش ارائه دهد.

فرنا (Ferna) در اثر بزرگ خود می‌نویسد: در جریان پژوهشی انسان‌شناسانه و قوم‌نگارانه وارد عراق گردیدم و درباره یکی از قبایل این کشور با نام «النهرة» وارد مطالعه شدم. وی یادآور می‌شود که هنگام تعیین مکان مدنظر خویش و ورود به آن، ملاحظات فراوانی (همچون اصالت قبیله، دسترس‌پذیر بودن و امکان پژوهش، و ضرورت پذیرش پژوهشگر در میان بومیان این قبیله) را در نظر داشته و با چشمانی باز و هدفی روشن و قوم‌نگارانه وارد میدان پژوهش خود شده است.

پس از ورود به این قبیله، رئیس قبیله همه تلاش خویش برای کمک به پژوهشگر انجام می‌دهد و خانه‌ای کوچک در اختیار وی و همسرش قرار می‌دهد تا آنها بتوانند در مدت دو سال پژوهش خویش، در آن ساکن باشند. بدین‌سان، پژوهش قوم‌نگارانه فرنا در یکی از قبایل عراقی با هدف بررسی آداب و رسوم، فرهنگ، باورها، گرایش‌های دینی و مانند آن در این قبیله آغاز می‌شود. فرنا به اتفاق همسر خویش، بیش از دو سال را در میان بومیان این قبیله به سر برد تا بتواند شناختی عمیق از آنها به‌دست آورد (یوسفی و فضل‌الهی، ۱۳۹۴).

۲-۷. گردآوری داده‌ها و اطلاعات لازم

در این مرحله، پژوهشگر باید تلاش کند تا بیشترین اطلاعات و داده‌های ممکن را جمع‌آوری نماید و از کنار هر داده‌ای - هرچند بی‌ربط - بی‌تفاوت عبور نکند.

مالینووسکی (۲۰۰۵)، در این باره می‌نویسد: برای به‌دست آوردن داده‌های لازم و دست‌اول و قابل‌اتکا، فرد باید خود وارد میدان واقعی پژوهش شود و در حد ممکن، اطلاعات دقیق و دست‌نخورده‌ای از صحنه واقعی میدان به‌دست آورد و واکنش‌ها را در صحنه واقعی آن مشاهده کند.

از نظر پیل و مریسون (۲۰۰۳)، داده‌های گردآوری‌شده را می‌توان به دو بخش «داده‌های دست‌اول» و «داده‌های دست دوم» تقسیم کرد. بر این اساس، آنها می‌نویسند: «داده‌های دست اول» به مشاهده، مصاحبه، مشارکت پژوهشگر در کنش‌ها برای کسب اطلاعات دقیق تقسیم می‌شوند که اطلاعاتی دقیق و ارزنده درباره موضوع فراهم می‌کنند.

«داده‌های دست دوم» آن دسته از داده‌هایی هستند که حالت انفعالی در آنها وجود دارد و براساس برخی منابع اطلاعاتی، درباره پدیدآورنده آنها به‌دست آمده‌اند.

نمی‌توان گفت: داده‌های دست اول مهم‌تر از داده‌های دست دوم هستند. این دو دسته در کنار هم معنا شده و پژوهشگر خوب کسی است که بتواند به هر دوی آنها دسترسی پیدا کرده، از هر دوی آنها استفاده نماید.

الیزابت فرنا زمانی که وارد جامعه و محیط پژوهش خود شد، با هر شیوه ممکن دست به گردآوری داده از جامعه مدنظر خویش زد. او حتی نوع پوشش خویش را هم با محیط کاملاً هماهنگ کرد تا بتواند خود را به جای موضوعات مدنظر خویش و در لباس آنها قرار دهد:

او زمانی که وارد میدان پژوهش خود می‌شد، شخصی بیرونی و غریبه محسوب می‌شد. همین موضوع امکان کسب اطلاعات دقیق را برای وی دشوار می‌ساخت و زنان سنتی قبیله، او را فردی بیگانه در نظر می‌گرفتند، تا اینکه به سفارش همسر خویش، تصمیم گرفت فداکاری بزرگی کرده، در طول بیش از دو سال پژوهش و اقامت خویش در این قبیله، لباس سنتی زنان قبیله را بپوشد و از روبند آنها استفاده کند تا دنیا و زندگی در این قبیله را از چشمان آنها بنگرد و بتواند به درکی عمیق از جامعه خویش دست یابد.

از سوی دیگر، وی در یادداشتهای روزانه خود، به ثبت دقیق رخدادها و پیامدها، مشاهده موشکافانه و بسیار جزئی امور و ریشه‌یابی آنها پرداخت و کوشید تا از هر ذره از داده‌های در دسترس استفاده نماید (یوسفی و فضل‌الهی، ۱۳۹۴).

۷-۳. تحلیل داده‌ها

در این گام، پژوهشگر دست به تحلیل داده‌های گردآوری شده می‌زند و آنها را مانند خانه‌های یک جورچین، در کنار هم می‌چیند تا بتواند از آنها و روابط بین آنها الگویی معنادار ساخته، روابط پنهان میان آنها را کشف سازد. *مالینوسکی* (۲۰۰۵) می‌گوید: تحلیل داده‌ها همزمان با گردآوری آنها آغاز می‌شود. این همزمانی بین گردآوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها یکی از تفاوت‌های این روش با سایر روش‌های پژوهش است.

پل و مریسون (۲۰۰۳) معتقدند: ضرورت تجزیه و تحلیل داده‌ها و کسب دقیق و دست‌اول آنها مکتبی قوم‌نگارانه در امریکا به نام «مکتب شیکاگو» به‌وجود آورد.

فرنا می‌گوید: زمانی که محقق وارد جامعه و قبیله تحت پژوهش خود می‌شود، از همان لحظه ورود خویش با چشمی تیزبین به ثبت رخدادها و پدیده‌ها می‌پردازد. او یافتن الگوی روابط میان آنها را در تجزیه و تحلیل پیوسته با هم می‌داند و از همان آغاز، به دنبال یافتن علل امور و رخدادهای گذشته و کشف الگو مدنظر خویش است (یوسفی و فضل‌الهی، ۱۳۹۴).

۷-۴. گزارش و ارائه یافته‌ها

در این مرحله قوم‌نگار به نگارش یافته‌های خویش اقدام کرده، آنها را به صورتی دقیق و روان برای خوانندگان خویش ارائه می‌کند. *مالینوسکی* (۲۰۰۵) در ارائه گزارش و بیان یافته‌های پژوهش می‌گوید: باید دقت شود که واژه‌های خاص را به همان شیوه‌ای که مدنظر موضوعات بوده است، مورد استفاده قرار دهیم؛ زیرا بخشی از واژه‌ها و اصطلاحات دارای معادلی دقیق در زبان مورد استفاده پژوهشگر نیستند و نمی‌توانند معنای مدنظر را به خوبی

منتقل سازند. از این رو می‌توان همان واژه را به صورتی که میان موضوعات مرسوم است، استفاده کرد تا بر میزان دقت و صحت بیان و ارائه گزارش نهایی افزوده شود.

۱-۴-۷. نظرگاه پل و مریسون

پل و مریسون (۲۰۰۳)، بر این باورند که در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان گفت: سه گونه اصلی ارائه یافته‌ها در قوم‌نگاری مطرح است:

گونه اول در طول تاریخ قوم‌نگاری مرسوم‌ترین گونه کاربرد بوده است. در این گونه فرد با استفاده از نوشتار و نگارش مقاله و کتاب و زندگینامه و مانند آن، به بیان یافته‌های خویش می‌پردازد. می‌توان این‌گونه نوشتارهای ارائه‌شده را «قوم‌نگاری» نامید.

گونه دوم ارائه یافته‌ها ممکن است با استفاده از تصاویر، فیلم‌ها و ابزارهای نوین رسانه‌ای همچون اینترنت و مانند آن صورت گیرد. این‌گونه بر بعد دیداری یافته‌ها متمرکز شده و ارائه دیداری را مدنظر خویش قرار می‌دهد.

گونه سوم ارائه یافته‌ها ناظر بر ارائه شفاهی و به‌کارگیری گفته‌ها و ابعاد شفاهی یافته‌هاست. هر شیوه‌ای که در ارائه یافته‌ها از آن استفاده گردد - به هر حال - به این نکته باید توجه شود که ارائه یافته‌ها تا پیش از انتشار آن، فرایندی دایره‌وار است و این کار باید به صورتی پیوسته صورت گیرد و در آن تجدید نظر و اصلاح اعمال شود تا برای چاپ نهایی آماده گردد.

۲-۴-۷. نظرگاه فرنا

فرنا می‌گوید: زمانی که محقق در جامعه تحت پژوهش خویش به سر می‌برد، کار گردآوری داده‌ها و تحلیل آنها را به پایان می‌برد و برای ارائه نهایی یافته‌های خویش آماده می‌سازد. وی برای ارائه مطلوب این یافته‌ها، به شیوه «روایتگری» و نگارش داستان توجه دارد. بدین‌سان، او اثری بزرگ با نام *مهمان‌های شیخ: قوم‌نگاری روستایی عراقی* تدوین کرد و آن را به محافل علمی عرضه داشت (یوسفی و فضل‌الهی، ۱۳۹۴).

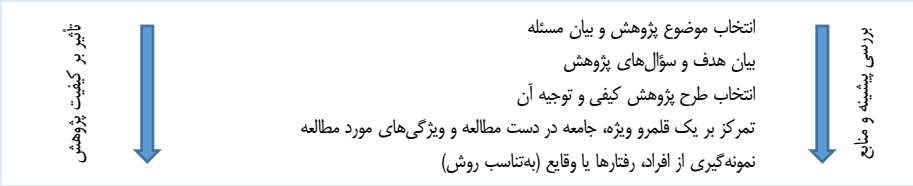
۳-۴-۷. نظرگاه کرسول

کرسول مراحل ذیل را برای این منظور بیان می‌دارد:

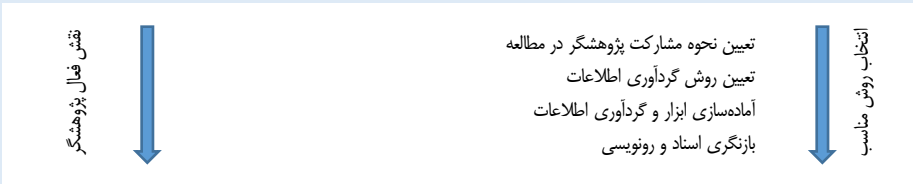
۱. بررسی اهمیت مردم‌نگاری به عنوان مناسب‌ترین طرح برای مسئله پژوهش؛
۲. انتخاب یک گروه فرهنگی برای مطالعه؛
۳. انتخاب مضمون‌ها یا موضوعات بحث‌انگیز فرهنگی برای مطالعه در گروه مدنظر؛
۴. مشخص کردن نوع قوم‌نگاری؛
۵. گردآوری اطلاعات از محل زندگی و کار؛
۶. ارائه قواعد و الگوهای عملی به‌مثابه محصول نهایی مطالعه (کرسول، ۱۳۹۱، ص ۱۸۲).

جدول ۱: مراحل انجام پژوهش مردم‌نگاری (خنیفر و مسلمی، ۱۳۹۵، ص ۳۶۴)

طراحی پژوهش مردم‌نگاری



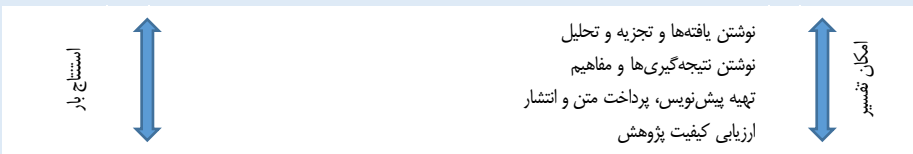
گردآوری داده‌ها در پژوهش مردم‌نگاری



تجزیه و تحلیل داده‌های در پژوهش مردم‌نگاری



ارائه نتایج، تهیه گزارش و ارزیابی آن در پژوهش مردم‌نگاری



ارائه یافته‌ها و تحلیل

۸. نقاط قوت و ضعف روش پژوهش مردم‌نگاری

هیچ سنت پژوهشی دیگری برای تحقیق درباره پدیده پیچیده‌ای که «فرهنگ» نامیده می‌شود، به قوت قوم‌نگاری نیست. جهت‌گیری کل‌نگر پژوهشگر ماهر را قادر می‌سازد تا عناصر گوناگون یک فرهنگ را مشخص کند و آنها را در الگوهای منسجمی وارد سازد. توصیف این الگوها رمزهایی را برای قرائت فرهنگ فراهم می‌آورد (گال و دیگران، ۱۳۸۶، ص ۱۰۷۷).

در سال‌های اخیر بر روش پژوهش مردم‌نگاری انتقاداتی وارد شده است که در ذیل به آنها اشاره می‌کنیم:

۱. **توصیف:** این روش یک تصویر روشن و دقیق از واقعیت در دست مطالعه را منعکس می‌سازد، ولی باقی ماندن بر آن به معنای ضعف در ترسیم نظام اجتماعی است، به گونه‌ای که اجزای مطالعه در یک ارتباط منظم به تحلیل نظری ساختار می‌پردازند.

۲. **فشار در رویکرد پژوهش:** فشار در این رویکرد ناشی از دو اصل «طبیعت‌گرایی» (Naturalism) و «انعطاف‌پذیری» (Flexibility) آن است. پژوهشگر دائم درگیر آشتی دادن این دو عنصر متضاد است.

۳. **پایایی:** مردم‌نگاری با ضعف در پایایی و تعمیم حداقل یافته‌ها روبه‌روست.

۴. **اخلاق پژوهش:** آگاهی پژوهشگر از تعصبات خود و جلوگیری از ورود آن به پژوهش و رعایت حریم خصوصی مشاهده شونده‌ها کاری دشوار در پژوهش مردم‌نگاری به شمار می‌آید.

۵. **فاصله گرفتن از معیار علمی:** گرایش به سمت احساسی شدن یافته‌ها، برداشت‌ها و تمرکز بر جنبه‌های هنری زیبایی‌شناختی، در مرحله بازنمایی یافته‌های پژوهش و عدم تمرکز بر جنبه‌های علمی یک پژوهش است (خنیفر و مسلمی، ۱۳۹۵، ص ۲۷۲).

نتیجه‌گیری

«مردم‌نگاری» یکی از مهم‌ترین روش‌های پژوهش در مطالعات انسان‌شناسی با رویکرد کیفی و اکتشافی، و مستلزم پژوهش دست‌اول و عمیق در ویژگی‌های یک فرهنگ معین و الگوهای موجود در آن ویژگی‌هاست. اگر این پژوهش خوب انجام شود خوانندگان باید بتوانند فرهنگ مدنظر را بشناسند، هرچند خود به‌طور مستقیم آن را تجربه نکرده باشند. هدف این پژوهش ارائه توصیفی از روش‌شناسی دقیق و عمیق از مردم‌نگاری است.

برخلاف روش‌های توصیفی، مردم‌نگاری به طرح فرضیه و نظریه نمی‌پردازد. مردم‌شناس معمولاً مدتی (یک یا چند سال) را صرف مشاهده و مصاحبه با مردمی می‌کند که می‌خواهد آنها را توصیف نماید. این روش سابقه دیرینه‌ای در انسان‌شناسی دارد، ولی جدیداً به‌مثابه یک شیوه پژوهش در چگونگی درک شیوه زندگی روزمره مردم جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده است. در این روش تأکید بر کشف و ارائه معانی و برداشت‌هایی است که انسان‌ها از زندگی روزمره خودشان دارند.

مردم‌نگاری به‌مثابه رویکردی کیفی ♦ ۱۰۳

پژوهش حاضر به بررسی روش پژوهش «مردم‌نگاری» و ترکیب و یکدست کردن مطالعات گذشته پرداخت. آثار مردم‌نگاران بزرگ جهان، مانند مالینووسکی، فرنا، مید، خنیفر، و کرسول به روشن‌سازی مراحل این روش، ویژگی‌ها، و انواع این روش منجر شده است. این پژوهش به انواع مردم‌نگاری (خود - مردم‌نگاری، مردم‌نگاری نهادی و ارتباطات) و همچنین اشکال این روش (واقع‌گرا، توصیفی یا انتقادی) اشاره دارد.

همچنین در کتاب **مهمان‌های شیخ** توصیفی کامل و جامع از مراحل روش مردم‌نگاری ارائه شده است که پژوهشگر با کاوشگری دقیق خود وارد عرصه عملی تحقیق شده و ناب‌ترین و دقیق‌ترین اطلاعات را کسب کرده است. خنیفر و کرسول هم به مراحل این روش با اندکی تفاوت اشاره کرده‌اند. این روش دارای نقاط قوت (مانند مشاهده مستقیم و تجربی بودن) و نقاط ضعف (مانند ضعف پایایی، انعطاف‌پذیری، و توصیف) نیز هست.

مردم‌نگاری به‌مثابه یکی از مهم‌ترین روش‌های پژوهش‌های کیفی در فراهم آوردن اطلاعات دست‌اول درباره زندگی مردم به شمار آمده است.



منابع

- ادیب حاج باقری، محسن و دیگران، ۱۳۸۶، *روش‌های تحقیق کیفی*، تهران، بشری.
- اسپرودی، جیمز پ و دیوید مک کوردی، ۱۳۷۲، *پژوهش فرهنگی: مردم‌نگاری در جوامع پیچیده*، ترجمه بیوک محمدی، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- اکبرپور، حامد، صمد عدلی‌پور، ۱۳۹۶، «راهبرد پژوهش قوم‌نگاری: ویژگی‌ها، انواع و رویه‌های انجام»، در: *چهارمین کنفرانس جهانی و اولین کنفرانس ملی پژوهش‌های نوین ایران و جهان در: روانشناسی، علوم تربیتی، حقوق رو علوم اجتماعی*.
- ایمانی، محمدتقی، ۱۳۸۷، «تحقیق قوم‌نگاری در رویکردهای کمی و کیفی تحقیق»، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز*، ش ۴۵، ص ۳۷-۶۲.
- _____، ۱۳۹۱، *روش‌شناسی تحقیقات کیفی*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- بازرگان، عباس، ۱۳۹۴، *مقدمه‌ای بر روش‌های تحقیق کیفی و آمیخته*، چ پنجم، تهران، دیدار.
- خنیفر، حسین و ناهید مسلمی، ۱۳۹۵، *اصول و مبانی روش‌های پژوهش کیفی (رویکردی نو و کاربردی)*، تهران، نگاه دانش.
- سلیمانی، مجید، ۱۳۸۸، *بازنمایی گفتمان‌های تجربی دینی در سینمای ایران پس از انقلاب اسلامی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مطالعات فرهنگی و رسانه، تهران، دانشگاه تهران.
- فضل‌الهی قمشی، سیفاله و مهدی یوسفی، ۱۳۹۸، «قوم‌نگاری آموزشی، مطالعه موردی مدرسه نور در کنیا»، *معرفت فرهنگی اجتماعی*، ش ۳۹، ص ۹۹-۱۱۲.
- فکوهی، ناصر، ۱۳۸۵، «پاره‌های انسان‌شناسی»، در: *مجموعه مقاله‌های کوتاه، نقدها و گفت‌وگوهای انسان‌شناسی*، تهران، نشر نی.
- کرسول، جان دلبیو، ۱۳۹۱، *مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی*، تهران، رشد.
- گال، مردیت و دیگران، ۱۳۸۶، *روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روانشناسی*، ترجمه احمدرضا نصر و همکاران، تهران، سمت.
- مکنیل، پاتریک، ۱۳۷۶، *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، آگاه.
- میره جینی، همایون، ۱۳۸۷، *پژوهش مردم‌نگاری شهرستان قومن، گیلان*، واحد تحقیقات صداوسیما.
- نعمتی شمس‌آبادی، حسنعلی، ۱۳۸۷، *روش تحقیق مردم‌نگاری در حوزه سیستم اطلاعات*، تهران، فاخر.
- یوسفی، مهدی و سیفاله فضل‌الهی قمشی، ۱۳۹۴، «روش‌شناسی قوم‌نگاری به‌عنوان یکی از رویکردهای پژوهش کیفی»، *عیار پژوهش در علوم انسانی*، ش ۱۱، ۹۳-۱۰۷.
- Conquergood, Dwight, 1992, "Ethnography, rhetoric, and performance", *Quarterly Journal of Speech*, N. 78 (1), p. 80-97.
- Inda, J., 2005, "Analytics Of the Modern: An Introduction", in Inda, J. (ed), *Anthropologies of Modernity: Foucault, Governmentality, and Life politics*, Oxford, Blackwell.
- Pole, C, & Morrison, M, 2003, *Ethnography for Education*, London, Open University Press.
- Quantz, R. A. 1992, "On Critical Ethnography (with Some Postmodern Considerations)", in *The Handbook of Qualitative Research in Education* LeCompte, M. D., Millroy, W. L., & Preissle, J. Eds.
- Van Maanen, J., 1988, *Tales of the Field*, Chicago, University Of Chicago Press.
- Woods, P, 2005, "Educational Ethnography in Britain", in *Qualitative Research in Education: Focus and Method*, Edited by Robert R Sherman and Rodman B Webb. Taylor and Francis e-Library.